

چگونه وعده‌های داده شده محقق نمی‌شوند

چالش در سیستم تأمین اجتماعی آمریکا

بر نامه‌های سلامت است. بنابراین باری بر دوش سیستم باز پرداخت و سلامت افزوده شده که بر خلاف وعده‌های داده شده توان پرداخت آن را ندارد. در این شماره برای بررسی بیشتر مسئله به ابعاد این موضوع می‌پردازیم.



ساده مواجهه است؛ منابع اولیه وارد سیستم می‌شود و به همراه مزایا و مصارف از آن خارج می‌گردد. بنابراین به دو صورت می‌توان مشکل را حل کرد و تمامی چهار راه‌حل بالا یکی از این دو صورت را تجویز می‌کنند؛ اول اینکه پول اولیه بیشتری را وارد سیستم کنید و دوم این که جلوی خروج پول و مزایا را از صندوق بازنشستگی بگیرید.

بعضی از سیاست‌های فعلی که توسط بایدن در سال گذشته پیشنهاد شد نیز در راستای همین مسئله است. برای مثال «قانون کاهش تورم» رئیس‌جمهور «بایدن»، به‌مدیکر اجازه می‌دهد در مورد قیمت‌های پایین‌تر روی تعداد معدودی دارو مذاکره کند و زمانی که قیمت داروها را سریع‌تر از تورم افزایش می‌دهند، از شرکت‌های دارویی هزینه‌ای دریافت کند و یا رایگان شدن برخی واکسن‌ها، محدود کردن هزینه‌های ماهیانه انسولین به ۳۵ دلار و سقف هزینه دارویی تعیین شده در مدیکر که از سال ۲۰۲۵ به ۲ هزار دلار محدود خواهد شد.

تغییرات قوانین

دفتر بودجه کنگره آمریکا اعلام کرد اجزای داروی تجویزی قانون جدید «بایدن» باعث صرفه‌جویی ۲۳۷ میلیارد دلاری طی ۱۰ سال می‌شود؛ مسئله‌ای که باعث شد برخی از قانونگذاران جمهوریخواه بگویند ایسن کاهش هزینه‌ای است که به سود شرکت‌های داروسازی می‌انجامد. در این بین، دموکرات‌ها نیز تلاش می‌کنند تا هزینه‌های برخی از برنامه مدیکر که از نظرشان گران تمام شده اما طور فزاینده‌ای محبوب است (مانند شبکه‌ای از طرح‌های بیمه خصوصی که توسط دولت بازپرداخت می‌شود) را مهار کنند. اخیراً ۷۰ موکرات نامه‌ای به بایدن نوشتند و از دولت او خواستند تا جلوی کلاهبرداری‌ها و هزینه‌های بیهوده در این برنامه را بگیرد. سقف قانونی مالیات تأمین اجتماعی برای دستمزد در آمریکا ۱۴۷ هزار دلار است. هرچند افراد می‌توانند بیش از این میزان در صندوق سرمایه‌گذاری کنند، اما هیچکس پس از عبور از این آستانه مالیاتی را پرداخت نکرد. در سال ۲۰۱۹، نمایندگان کنگره آمریکا لایحه‌ای را پیشنهاد کردند که این سقف را افزایش دهند و به ۴۰۰ هزار دلار برسانند. سال گذشته، اعضای کمیته مطالعات جمهوریخواهان مجلس نمایندگان پیشنهاد کردند که سن افراد واجد شرایط برای تأمین اجتماعی و مدیکر افزایش یابد. در حال حاضر، افراد می‌توانند در ۶۷ سالگی به مزایای کامل تأمین اجتماعی خود دسترسی داشته باشند، اما بر اساس نظر جمهوریخواهان کنگره سن ۷۰ سال برای بر خور داری از مزایای کامل پیشنهاد شد؛ پیشنهادی که صدهای مخالفت از هر طرف را بلند کرد. مخالفت‌هایی که به‌ویژه با توجه به انتخابات سال آینده آمریکا کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

هر چند اکنون این مسئله در آمریکا رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته، اما ترجمه این تغییرات سیاسی و قانونگذاری برای بازنشستگان تأمین اجتماعی و دریافت‌کنندگان بیمه سلامت مدیکر بسیار ساده است؛ قرار نیست منافع وعده داده شده به افرادی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، برسد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود سن بازنشستگی و میزان سهم بیمه تأمین اجتماعی از حقوق کارکنان افزایش یابد و ترکیبی از راه‌حل‌های اقتصادی ریاضتی برای سیستم طراحی شود.

کنند. از طرف دیگر، سبک مصرفی و عادات فرهنگی اجتماع در آمریکا افراد را به بازنشستگی پیش‌از موعد تشویق می‌کند؛ بنابراین بخش مهمی از آنها خواهان مصرف بیشتر در دوران بازنشستگی و حتی بازنشستگی پیش‌از موعد هستند. به‌ویژه صنعت تفریحات و گردشگری افراد را تشویق به گذراندن دوران بازنشستگی خود با انواع تفریحات، سفر به نقاط مختلف و تفریح می‌کند؛ به طور کلی اگر نگوییم فرهنگ تن‌آسایی تبدیل به ارزش اجتماعی دوران اخیر شده، لاقلاً با اطمینان می‌توان گفت تبدیل به مفهوم غالب دوران بازنشستگی شده است. همچنین به همه اینها باید هزینه‌های درمانی را نیز اضافه کرد. غالباً افراد مسن با مشکلات سلامتی بیشتر مواجه هستند و در نتیجه بار اصلی سیستم‌های درمانی مربوط به

کم می‌شود؛ نکته‌ای که برای نسل قبلی بحران‌زا خواهد شد. دلایل زیادی برای کم شدن زادوولد در جامعه عنوان می‌شود، اما می‌توان مهم‌ترین دلیل آن را تأثیر جمعیت بر شکل مصرف جامعه و شکوفایی اقتصادی ناشی از آن دانست که در سیستم سرمایه‌داری این شکوفایی اقتصادی همیشه دوره‌هایی از رکود را به همراه دارد؛ دوره‌های رکودی که فرزندانوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دوباره داستان تکراری جمعیت در بازه‌های زمانی مختلف تکرار می‌شود.

افزایش جمعیتی بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ که در ایالات متحده رخ داد و کاهش جمعیتی در دهه ۷۰. امروزه سیستم تأمین اجتماعی آمریکا را دچار بحران کرده است. همان‌طور که نسل انفجار جمعیتی و انعکاس آن در دهه‌های ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ پیشرفت کردند، عادات خرید آنها مسیر بسیاری از



طبق آخرین گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا، انتظار می‌رود مالیات بر حقوق در سال جاری هزار و ۵۶۰ میلیارد دلار عایدی برای صندوق‌های رفاهی و درمانی ایجاد کند. با این حال، هزینه‌های ترکیبی تأمین اجتماعی و مدیکر احتمالاً ۲ هزار و ۱۶۰ میلیارد دلار است

صنایع مصرفی از جمله خودرو و صنعت تفریحات را تعیین کرد. و البته آن‌طور که پیداست نیازهای نسل انفجار جمعیتی در موعده بازنشستگی‌شان منجر به تحت فشار قرار گرفتن سیستم تأمین اجتماعی شده است.

بحران کنونی ایالات متحده یک‌بار دیگر و پیش از این در دهه ۸۰ میلادی رخ داده بود. زمانی که نسل انفجار جمعیتی جنگ جهانی اول و رکود بزرگ به بازنشستگی رسیده بودند. با یک محاسبه سرانگشتی و با در نظر گرفتن سن ۶۵ سال برای بازنشستگی می‌توان گفت، کسانی که در دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی به دنیا آمدند اکنون و در سال ۲۰۲۳ با بازنشسته شده‌اند و یا در آستانه بازنشستگی قرار دارند. نسل دهه ۷۰ نیز که انعکاس انفجار جمعیتی است، تا سال ۲۰۳۰ به این گروه ملحق می‌شود. در نتیجه سیستم تأمین اجتماعی که پیش‌تر به فلک تشبیه شد، به اندازه کافی دریافتی نخواهد داشت تا به بازنشستگان پرداخت کند و یا سیستم مدیکر که از مالیات بر درآمد افراد تأمین مالی می‌شود توانایی پاسخگویی به حجم بالای مراجعان بازنشسته برای خدمات درمانی را نخواهد داشت.

تعادل منابع و مصارف

سیستم‌های تأمین اجتماعی هر چند با نام سرمایه‌گذاری فعالیت می‌کنند، اما این در شرایطی است که سهم مالیات ورودی به صندوق از میزان مزایا و پاداش‌های پرداختی بیشتر باشد و سرمایه‌گذاری‌ها سوددهی مناسبی داشته باشند؛ اتفاقی که در دوران رکود کمتر رخ می‌دهد. اگر میزان مزایا و پاداش‌ها از عایدی صندوق بیشتر نشود و تعادل منابع و مصارف آنها بر هم بخورد، صندوق توان بازپرداخت را نخواهد داشت. نسل جدید با تعداد کمتر جمعیت و متعاقب آن تعداد کمتر کارکنان باید پول بیشتری را به صندوق پرداخت کند تا سیستم بتواند حقوق و مزایای بازنشستگی افراد را پرداخت

این روزها ایالات متحده با چالش مهمی در سیستم تأمین اجتماعی خود روبه‌رو شده؛ مسئله‌ای که کم‌وبیش در بیشتر کشورهای پیشرفته دیده می‌شود و ریشه در مسائل جمعیتی دارد. اکنون تعداد بازنشستگان و هزینه‌های درمانی آنها بسیار بیش از عایدی صندوق‌های تأمین اجتماعی



برای آمریکایی‌ها مسئله تأمین اجتماعی و بیمه درمانی مدیکر (Medicare) بیشتر به یک مسئله ریاضی شبیه شده است. این مسئله ریاضی، البته با شرایط و کیفیت زندگی تعداد زیادی از مردم ایالات متحده گره خورده است. برای توضیح موضوع باید به شکل ساده‌ای گفت، مالیات بر حقوق بزرگ‌ترین بخش بودجه تأمین اجتماعی و بیمه درمانی مدیکر را تشکیل می‌دهد. پولی که قبلاً از حقوق کارگران کسر شده و در واقع هنگام دریافت مزایا، مردم صرفاً آنچه را که قبلاً به سیستم پرداخت کرده‌اند، پس می‌گیرند. مشکل آنجا پیش می‌آید که با افزایش سن و بازنشستگی تعداد بیشتری از کارکنان دوره انفجار جمعیتی که اکنون به سن بازنشستگی رسیده‌اند، مستمری‌گیران بیشتری نسبت به پرداخت‌کنندگان وجود خواهد داشت.

به این ترتیب درآمد مالیاتی کافی برای تأمین مالی برنامه‌ها وجود ندارد. این کار مانند این است که درون یک فلک دو سکه بیندازید اما توقع داشته باشید که ۱۰ سکه برداشت کنید؛ کاری غیرممکن که این روزها در آمریکا همه درباره آن حرف می‌زنند و تأمین اجتماعی و بیمه درمانی را دچار یک چالش سیاسی ریاضیاتی کرده است.

۱۵۶۰ میلیارد دلار عایدی

طبق آخرین گزارش دفتر بودجه کنگره آمریکا، انتظار می‌رود مالیات بر حقوق در سال جاری هزار و ۵۶۰ میلیارد دلار عایدی برای صندوق‌های رفاهی و درمانی ایجاد کند. با این حال، هزینه‌های ترکیبی تأمین اجتماعی و مدیکر احتمالاً ۲ هزار و ۱۶۰ میلیارد دلار است. این دفتر در گزارش خود هشدار داد که ممکن است نیاز باشد مزایای تأمین اجتماعی حتی زودتر از پیش‌بینی‌های گذشته کاهش یابد و یا یک برنامه‌ریزی کاهش این مزایا از سال ۲۰۲۳ شروع شود. در حال حاضر دولت در حال پرداخت کامل مزایای تأمین اجتماعی است که البته در این رابطه لطفی در کار نیست و مردم صرفاً آنچه را که قبلاً پرداخته‌اند برداشت می‌کنند. اما سرمایه‌های صندوق تأمین اجتماعی در حال کاهش است و مشکل پرداخت از همین جاشروع می‌شود. از طرف دیگر، تعداد افرادی که در بیمه سلامت مدیکر ثبت‌نام کرده‌اند از زمان آغاز به کار آن در سال ۱۹۶۶، بیش از سه برابر شده و به حدود ۶۵ میلیون نفر رسیده است. طبق داده‌های مرکز خدمات مدیکر، بیش از ۱۰ میلیون بازنشسته و معلول جدید فقط در دهه گذشته به این سیستم سلامت ملحق شده‌اند.

گزارش متولیان تأمین اجتماعی و مدیکر پیش‌بینی می‌کند کسری درآمدهای مالیاتی همراه با افزایش تعداد دریافت‌کنندگان در نهایت منجر به ناتوانی صندوق امانی تأمین اجتماعی در پرداخت کامل مزایا در سال ۲۰۳۵ می‌شود. اگر چه دفتر بودجه کنگره (CBO) که اطلاعات، تحلیل‌ها و برآوردهای عینی و غیرحزبی مربوط به تصمیمات اقتصادی و بودجه‌ای فدرال را در اختیار کنگره قرار می‌دهد معتقد است این امر می‌تواند زودتر اتفاق افتد. برآورد دفتر بودجه کنگره آمریکا پیش‌بینی کرده که صندوق مدیکر از سال ۲۰۲۸ قادر به پرداخت کامل مزایا نخواهد بود.

کاهش مالیات

این مشکل کم‌وبیش، مشکل بسیاری از سیستم‌های تأمین اجتماعی دنیا و یا در آینده‌ای نه‌چندان دور و در حوالی نیمه قرن ۲۱ مشکل بسیاری از آنها خواهد بود. برای درک موضوع مفهوم انفجار جمعیتی و سبک مصرف بسیار مهم است. این مسئله را با نمونه آمریکا به خوبی می‌توان درک کرد. انفجار جمعیتی یا بیبی بوم (Baby boom) در واقع اشاره به یک دوره اقتصادی شکوفا در یک بازه زمانی خاص دارد که منجر به افزایش زادوولد در جوامع انسانی می‌شود و یا به نسلی اطلاق می‌گردد که در این دوره به دنیا می‌آیند. این انفجار جمعیتی معمولاً در دوره‌های پس از بحران رخ می‌دهد. در آمریکا این پدیده پس از جنگ جهانی اول، رکود بزرگ در قرن ۲۰ و جنگ جهانی دوم رخ داد؛ زمانی که سختی‌ها و بلا تکلیفی‌های دوره بحران به پایان رسید و شکوفایی اقتصادی پس از بحران منجر به ازدواج مردم و فرزندانوری آنها در مقیاس بزرگ شد؛ فرزندانوری که پیش‌تر به دلیل بحران به تعویق افتاده بود. البته انفجار جمعیتی با دوره‌ای از انعکاس همراه است و در نسل بعدی هم در ابعاد کمتری رخ می‌دهد. پس از انفجار جمعیتی و انعکاس آن دوباره زادوولد



بسیستم فوریه به عنوان روز جهانی عدالت اجتماعی نامیده شده است. در این روز سازمان‌های مختلف در بیانیه‌هایی پشتیبانی خود را از عدالت اجتماعی و ضرورت آن در سطح جهانی اعلام می‌کنند. با این حال، دستیابی به عدالت اجتماعی در سایه استانداردهای دوگانه و جانگیرانه بین‌المللی جهان امروز اگر نه غیرممکن، بلکه بسیار دور از دسترس به نظر می‌رسد. همچنین فقر و نابرابری در داخل کشورها و میان کشورهای مختلف در بسیاری از نقاط جهان رو به افزایش است. بحران‌های اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر با پیامدهای همه‌گیری کرونا، بلایای طبیعی ناشی از تسریع تغییرات آب‌وهوایی، تنش‌های ژئوپلیتیکی و درگیری‌های مسلحانه تشدید شده و همه این موارد امکان دستیابی به عدالت اجتماعی در سطحی گسترده را بسیار دشوار ساخته است.

هدف اصلی گرامیداشت «روز جهانی عدالت اجتماعی» افزایش آگاهی در مورد بی‌عدالتی اجتماعی و گردهم آوردن جوامع مختلف در سراسر جهان حول تلاش برای ریشه‌کنی فقر، تبعیض، بی‌سوادی، تبعیض مذهبی و ایجاد جامعه‌ای است که از نظر اجتماعی یکپارچه شده است؛ موضوعی که بدون وجود چندجانبه‌گرایی و استانداردهای واحد در جهان امروز غیرممکن است.

سازمان‌های مختلف در بیانیه‌هایی در این روز برنامه‌ها و اهدافی را برای گسترش عدالت اجتماعی در جهان اعلام کردند.

سازمان ملل متحد موضوع امسال روز جهانی «عدالت اجتماعی» را «غلبه بر موانع و آزدسازی فرصت‌ها برای عدالت اجتماعی» اعلام کرد که از طریق اعتماد به دولت‌ها حاصل خواهد شد. این سازمان معتقد است روز جهانی عدالت اجتماعی در سال ۲۰۲۳ فرصتی برای تقویت گفت‌وگو با کشورهای عضو، جوانان، شرکای اجتماعی، جامعه مدنی، سازمان ملل و سایر ذی‌نفعان در مورد به کارگیری اقدامات لازم برای تقویت قرار داد اجتماعی است که در سال‌های اخیر به دلیل افزایش نابرابری‌ها، درگیری‌ها، جنگ و تضعیف نهادهای مدافع حقوق کارگران رو به زوال رفته است. بهرغم این بحران‌های متعدد، فرصت‌های زیادی برای ایجاد ائتلافی در جهت عدالت اجتماعی و انجام سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در اشتغال مناسب، با تمرکز ویژه بر اقتصاد سبز، اقتصاد دیجیتال، اقتصاد مراقبت و جوانان وجود دارد.

سازمان بین‌المللی کار نیز در بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی عدالت اجتماعی اعلام کرد: «هنگامی که به روندهای فعلی بازار کار نگاه می‌کنیم، تصویر بسیار تیر و تار است. رشد اشتغال جهانی در سال ۲۰۲۳ تنها ۰.۱ درصد خواهد بود که کمتر از نصف میزان سال ۲۰۲۲ است و بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر در سراسر جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند.» در وضعیت فعلی از نظر (ILO)، بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و خرد، ضربه سختی خورده‌اند. بنابراین آنچه که جهان در حال حاضر به آن نیاز دارد، افزایش و پایداری عدالت اجتماعی است که کلیدی برای جوامع عادلانه و صلح‌آمیز محسوب می‌شود. برای این منظور و برای ترویج کار شایسته، مانند امکان اشتغال، حقوق محیط کار، تأمین و حمایت اجتماعی و همچنین گفت‌وگوی اجتماعی، سازمان بین‌المللی کار در نظر دارد تا در سال ۲۰۲۳ یک ائتلاف جهانی برای عدالت اجتماعی به راه بیندازد.

این سازمان هدف خود در ارتباط با عدالت اجتماعی را «دستیابی به یک حرکت جهانی برای کمک به کاهش و جلوگیری از نابرابری‌ها» اعلام کرد؛ هدفی که اطمینان حاصل می‌کند عدالت اجتماعی در سیاستگذاری و فعالیت‌های ملی و جهانی در همکاری‌های توسعه‌ای و در موافقتنامه‌های مالی، تجاری و سرمایه‌گذاری در اولویت قرار دارد.